

تحلیل عوامل مؤثر بر گردشگری معنوی راهیان نور و مقصد جدید (مطالعه موردی: مرقد مطهر حاج قاسم سلیمانی)

اسفندیار نیازی *

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

چکیده

جریان عظیم فرهنگی راهیان نور، یکی از پرمخاطب‌ترین عرصه‌های فرهنگی کشور با تأثیرگذاری مثبت در فرهنگ عمومی جمهوری اسلامی ایران و از مؤثرترین راه‌های مقابله با جنگ نرم دشمن و استفاده از ثروت غنی و سرچشمه قوی دوران دفاع مقدس است. این پژوهش ضمن معرفی گردشگری، گردشگری معنوی، گردشگری سیاه، گردشگری جنگ و راهیان نور، به نقش ویژگی‌های مختلف زندگی‌نامه‌ای، معنوی و اعتقادی، حرفه‌ای، مدیریتی سرداران و شهدا در به ثمر رساندن درخت تنومند انقلاب و تربیت قهرمانان و نامورانی چون سردار قاسم سلیمانی می‌پردازد که چگونه در مقابل استبداد داخلی، استعمار و استثمار خارجی در دوران قبل و بعد از انقلاب قد علم کردند، نهضتی بزرگ برپا نمودند و طی دوران هشت ساله دفاع مقدس، روحیه مقاومت، جهاد و شهادت‌طلبی در اعماق جامعه - از مرکز کشور تا دوردست‌ترین روستاها - رسوخ یافت. این جوان مؤمن، شجاع، هوشمند و تیزبین، طی چهل سال آنچنان جلوه کرد، خوش درخشید و در مسیر کمال به پیش رفت که سرانجام سکه تأسیس مکتبی با نام او توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران زده شد تا پس از شهادت وی، مرقد مطهر او به مقصد جدید راهیان نور تبدیل شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری سیاه، گردشگری معنوی، گردشگری جنگ، راهیان نور،

شهید سلیمانی

* عضو هیات علمی گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

گرایش بیش از پیش گردشگران مدرن به کنجکاوی و درک مفاهیم جدید باعث شده که کنفرانس‌های بین‌المللی به موضوع معنویت در گردشگری توجه کنند و بدین ترتیب، فضایی برای تغییر نگاه صرفاً مادی به این مقوله حاصل شود. معنویت در گردشگری مفهومی است چند بُعدی که از راه دستیابی یا رسیدن به معنا، تعالی و درک متقابل به دست آمده از سفر قابل تبیین است. رسیدن به تعالی می‌تواند به صورت روحانی و جسمانی به دست آید و ناگزیر به جنبه‌های مذهبی و دینی خلاصه نمی‌شود.

معنا از طریق تعقل و پندآموزی حاصل شده از برخورد گردشگران با سیستم گردشگری به دست می‌آید. در این سیستم، افراد، فرهنگ‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌های مقدس، هویت‌ها و جاذبه‌های گردشگری، عامل دستیابی به این سطح از معنا و ادراک خواهند شد.

از آن‌جا که در گردشگری، تقابل چندگانه میان گردشگر با طبیعت، اجتماع، فرد و زوایای فراطبیعی برقرار است، درک صحیح مضامین خاص، ناب و حتی عادی، اما قابل تأمل، قابلیت ایجاد معنویت را فراهم می‌سازد. جایی که حقایق، دین و مذهب، نظم و هماهنگی‌های طبیعی، الگوها و سبک زندگی، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی، برقراری ارتباطات مؤثر و درک مفاهیم جدید، به عنوان زیر مؤلفه‌های رسیدن به درک متقابل مفروض است.

به نظر می‌رسد هر گونه گردشگری، قابلیت‌های معنوی دستیابی به تعالی، رسیدن به معنا و درک متقابل را داشته باشد. گردشگری همراه با فضای معنوی، فضای جدیدی را به وجود می‌آورد که پاسخگوی نیاز روحی انسان‌ها است، اما این مهم نیازمند بررسی و تحلیل است.

بیان مسأله

امروزه توریسم یکی از امیدبخش‌ترین فعالیت‌هایی است که از آن به عنوان گذرگاه توسعه یاد می‌شود و بر اساس چهار دهه تحقیقات بانک جهانی، گردشگری به عنوان اهرمی قدرتمند

در الگو واره توسعه مورد تأیید قرار گرفته است؛ به طوری که مروری بر مبانی نظری صنعت گردشگری، نقش این صنعت را به عنوان عاملی مؤثر بر توسعه نشان می‌دهد (دونالد و شان، ۲۰۰۷: ۳۵۰).

در طرح‌های آمایشی یا کالبدی، اعم از: ملی، منطقه‌ای و محلی، گردشگری به عنوان یکی از ابزارها و مؤلفه‌های مهم توسعه و محرومیت‌زدایی به شمار می‌رود. در حال حاضر، این صنعت یکی از منابع مهم تولید درآمد، اشتغال و ایجاد زیرساخت‌ها برای نیل به توسعه پایدار محسوب می‌شود.

سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری، دارای آثار و تبعات اقتصادی، اجتماعی و حتی کالبدی است؛ از این رو با توجه به آثار ارزشمند تاریخی به یادگار مانده از نیاکانمان در بعضی مناطق مسکونی، میهن کهن ما جمهوری اسلامی ایران و همچنین جاذبه‌های طبیعت‌گردی همراه با جلوه‌های زیبای زندگی، فرصت مناسبی برای توسعه پایدار بر پایه گردشگری پدید آورده است. چنانچه از این فرصت به درستی و به شکل مناسب بهره‌برداری شود، بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی و کاهش مهاجرت را به همراه خواهد داشت.

مناطق نمونه گردشگری، زیرمجموعه قطب‌های گردشگری و یکی از مهم‌ترین مباحث اصلی ارائه شده در صنعت گردشگری هستند. تنوع ابعاد و پیچیدگی‌های صنعت گردشگری، متناسب با مناطق جغرافیایی، زمینه‌های ویژه‌ای برای برنامه‌ریزی گردشگری را خواستار است. در مناطقی که پتانسیل‌های بالقوه بسیاری برای توسعه صنعت گردشگری وجود دارد، اما با این وجود فاقد روند مطلوب است، باید به دنبال عوامل و عناصری گشت که سبب سرعت بخشیدن به حرکت آهسته جریان گردشگری باشد.

یکی از این قطب‌های گردشگری، کرمان است. استان کرمان، واقع در جنوب شرقی ایران، از جمله پهناورترین استان‌های جمهوری اسلامی ایران است. کرمان در حدود هفت هزار جاذبه‌ی تاریخی دارد که ۷۰۰ مورد از آنها در فهرست آثار ملی ثبت شده است. این استان میان استان‌های یزد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و فارس قرار گرفته است. جاذبه‌های تاریخی فراوان، این استان را جزو پنج شهر تاریخی کشور قرار داده که دارای

چشم‌اندازها و پتانسیل‌های بسیار بالایی است.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، استعداد‌های شگرفی از جای جای جمهوری اسلامی ایران اسلامی از قوه به فعل درآمدند و افسران رشیدی قد برافراشتند، حماسه‌ها خلق کرده و افتخارات خیره‌کننده‌ای برای این سرزمین کسب نمودند. خیل عظیمی از دلاورمردان و شیرزنان ایران زمین، در جبهه و پشت جبهه از عمق جان مایه گذاشتند و از تمامیت ارضی کشور، کیان انقلاب و نظام و حریم اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) جانانه دفاع کردند.

دوران دفاع مقدس همچون کوره‌ای گدازنده بود که جان‌های پاک و مخلص در آن آبدیده می‌شدند. در این دوران، چه بسیار سربازان دلیری از سپاه، ارتش و بسیج که رشد نموده و تبدیل به فرماندهان برجسته‌ای شدند که از میان آنها جمعی شهید، جمعی جانباز و جمعی آزاده گردیدند و تقدیر الهی بر این پایه قرار گرفت که جمعی از آنها بمانند تا تربیت‌کننده نیروهای جوان، مؤمن، انقلابی و سلحشور باشند؛ نیروهایی که راه و رسم مقاومت را همچنان زنده، مانا و پویا نگه دارند.

در روزهای آغازین جنگ، جوانی از خطه کویر، به خیل عظیم رزمندگان پیوست. این جوان مؤمن، شجاع، هوشمند و تیزبین چنان جلوه کرد، خوش درخشید و در مسیر کمال پیش رفت که او را در قامت یک مکتب فرازند می‌کند.

چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که یک انسان به تنهایی یک مدرسه درس‌آموز می‌شود؟! هرگاه انسان از مدار فردیت خویش خارج شود و سعه وجودی او آنقدر گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد، او تبدیل به یک مکتب شده است.

ناگاه که منظومه‌ای منسجم، جامع و متشکل از اجزای یک شخصیت رشد یافته در ابعاد مختلف و زمینه‌های گوناگون شکل می‌گیرد، او به عنوان یک مکتب، یک الگو و یک مدرسه درس‌آموز رخ می‌نماید.

تمایل بیش از پیش گردشگران مدرن به کنجکاوی و درک مفاهیم جدید باعث شده است که حوزه دیگری از مباحث گردشگری شکل گرفته و یکی دیگر از انواع گردشگری با نام گردشگری سیاه که حوزه‌هایی نظیر بازدید از زندان‌های سیاه، آرامگاه و قبرستان‌ها (قبرستان‌ها

در سراسر دنیا، بخش جدانشدنی تاریخ و فرهنگ هر جامعه‌ای هستند، اما در بعضی نقاط دنیا به قبرستان‌ها توجه ویژه‌ای شده و سعی شده زیبایی در قبرستان هم جلوه کند، اردوگاه‌های اسرای جنگ، میدان‌های جنگ و دیگر مکان‌های مرتبط با رنج‌های بشری را شامل (استرنجی^۱، ۲۰۰۲: ۳۸۷) می‌شود.

بنابراین، انگیزه و هدف اصلی از سفر، بازدید از سایت تراژدی انسانی و انواع مختلف قساوت و تعرض فراگیر به حقوق و قلمرو جوامع بشری است (آزالارسکا و سوتلا^۲، ۱۹۹۸: ۹). از سویی گردشگری سیاه، اغلب مرتبط با هویت یا میراث گردشگران است (کوهن^۳، ۲۰۱۰: ۴)، حال آنکه گردشگری جنگ به مثابه فرایندی تاریخی - فرهنگی، می‌تواند یک محور اساسی در تبادل فرهنگی و یکی از وجوه قابل اتکا جاذبه‌های گردشگری به شمار آید.

در این راستا، گردشگری جنگ هم رسالت تبادل فرهنگی بین نسلی در سطح ملی و سطح بین‌المللی را بر عهده دارد. جریان بزرگ فرهنگی راهیان نور، یکی از پرمخاطب‌ترین عرصه‌های فرهنگی کشور با تأثیرگذاری مثبت در فرهنگ عمومی جمهوری اسلامی ایران است و از کارآمدترین و مؤثرترین راه‌های مقابله با جنگ نرم دشمن و استفاده از ثروت غنی و سرچشمه قوی دوران دفاع مقدس است.

جاذبه مرقد مطهر شهدا و موضوعات فرهنگی مرتبط با دفاع مقدس، بستری پاک و مقدس را برای جوانان و نوجوانان این مرز و بوم و سایر نقاط جهان فراهم آورده تا در گذر تاریخی آن، با مفاهیم ارزشی جهاد در راه خدا و ایستادگی و مقاومت در برابر سلطه‌گران جهانی آشنا شوند.

هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش، تحلیل عوامل مؤثر بر پیدایش چگونگی و تأثیر شخصیت والای حاج قاسم سلیمانی و تبدیل شدن مرقد مطهر او و زادگاهش کرمان، به عنوان مقصد جدید گردشگران معنوی راهیان نور است.

1. Strangea
2. Azalarska and Svetla
3. Cohen

سؤال تحقیق

سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه مرقد مطهر حاج قاسم سلیمانی و زادگاهش کرمان، به عنوان مقصد جدید گردشگران معنوی راهیان نور تبدیل می‌شود؟

روش تحقیق

روش به کار برده شده در این پژوهش با توجه به نوع آن، توصیفی - تحلیلی بوده و از نظر هدف، کاربردی است. برای تدوین مبانی نظری، منابع کتابخانه‌ای و اسناد جنگ و راهیان نور استفاده شده و برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، منابع اینترنتی مورد استفاده قرار گرفته است.

مفاهیم نظری

گردشگر

سازمان جهانی جهانگردی، گردشگر را چنین توصیف کرده است: گردشگر کسی است که برای مدت زمانی دست کم یک شبانه روز (۲۴ ساعت) و کمتر از یک سال، به غیر از وطن یا محل سکونت معمولی خود مسافرت کند، به طوری که هدف او کار کردن و کسب درآمد نباشد؛ بلکه به منظور تفریح، گذراندن ایام تعطیل، دیدار دوستان و بستگان، درمان و زیارت به این مسافرت برود (گی^۱، ۱۳۹۰).

گردشگری

سازمان جهانی جهانگردی، گردشگری را شامل تمام مسافرت‌هایی می‌داند که منجر به اقامت حداقل یک شب در مقصد شود و مدت زمان دور بودن از منزل، نباید از یک سال نیز بیشتر شود (سازمان جهانی گردشگری^۲، ۱۹۹۳).

گردشگری معنوی

در لاتین معنویت از واژه نفس، در یونانی از باد و در بودایی از واژه نور اصلی گرفته شده است که در سنت‌های فلسفی شرقی مثل: هندویسم، بودایسم و... از این واژه، معنایی

1. Gay
2. World Tourism Organization.

مثل سلامت، انرژی، ارتباطات پویا و هوشیاری برداشت می‌شود، در حالی که در اسلام، یهودیت و مسیحیت، به حقیقت و راستی و برتری مطلق و سیطره یک خدای واحد تعبیر می‌شود. افزودنی است که از منظر سکولار، معنویت به فرایند رشد یکپارچه و پویایی تعبیر شده که روی ارزش‌ها، معانی و اهداف زندگی تمرکز دارد و عملاً زمینه‌ساز جاری سازی معنا در زندگی روزانه و مادی است (فاروق حق و لونس نیوبی، ۲۰۰۹).

گردشگر جنگ

فردی است که صادقانه علاقه‌مند به بازدید از میدان‌های جنگ و یادمان‌های آن است. این گردشگران تمایل به بازدیدهای کوتاه مدت از مکان‌های مرتبط با جنگ در چارچوب بخشی از برنامه‌های یک گشت سازمان یافته دارند «به این معنا که برنامه‌های مکمل دیگری غیر از موضوع جنگ باید در این گشت‌ها گنجانده شود» (تقدیسی احمد و همکاران، ۱۳۹۴).

گردشگری جنگ

عزیمت گردشگر با هدف بازدید از جاذبه‌های مناطق جنگی، جهت کسب تجربه جدید و ثبت وقایع برای ارضای نیازهای فرهنگی - اجتماعی و معنوی است. گردشگران جنگ، مجموعه خاصی از گردشگرانند که علاقه‌مند به بازدید از میدانی جنگ و یادمان‌های آن بوده و طی سفر خود، احساسات هیجانی، معنوی، بشردوستانه و حتی مذهبی و معنوی را تجربه می‌کنند و بعد از سفر، احساسات و اندیشه‌هایی را درباره جنگ و شرکت‌کنندگان (افرادی که به هر نوع با جنگ درگیر بوده‌اند) به انحاء مختلف ابراز می‌کنند. (وثوقی ۱۱۶: ۱۳۸۸). از جاذبه‌های نوینی است که نتیجه‌ی رشادت‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان اسلام و پشتیبانی ملت بزرگ میهن اسلامی طی هشت سال جنگ تحمیلی می‌باشد.

دفاع مقدس

مجموعه مقاومت‌ها، مجاهدت‌ها، حماسه‌ها، پایداری‌ها، فعالیت‌ها و اقداماتی است که توسط ملت ایران و رزمندگان و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس در برابر تهاجم رژیم بعثی صدام، استکبار جهانی، گروهک‌های تکفیری و ضد انقلاب (منافقین، کوموله و...)، جهت دفاع از جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌های اسلامی و مظلومان جهان و جهان اسلام به انجام رسیده است (سند ملی راهیان نور کشور ۲۶/۱۱/۱۳۹۶).

یادمان

به مکانی گفته می‌شود که یک رویداد مهم نظامی، حماسی یا عملیاتی، توسط رزمندگان ایران اسلامی در آنجا به وقوع پیوسته باشد یا یک یا چند شخصیت برجسته دفاع مقدس در آن محل به شهادت رسیده باشند و بدین‌سان، مقصد کاروان‌ها و زائرین راهیان نور به شمار می‌رود (سند ملی راهیان نور کشور ۱۳۹۶/۱۱/۲۶).

گردشگری سیاه

گردشگران علایق ویژه، متقاضی محصولات ویژه گردشگری با شیوه‌های نوین هستند و اغلب به دنبال محرک‌های مهیج و کسب تجربه‌هایی سرشار از پیچیدگی، هیجان، تنوع و تازگی می‌باشند (طرح جامع گردشگری ۱۶: ۱۳۸۸). یکی از این محرک‌های مهیج، گردشگری سیاه است که از دهه ۱۹۹۰ به این سو در دسته‌بندی اشکال گردشگری، به عنوان یک گونه جدید افزوده شده است (یویل^۱، ۲۰۰۳: ۶).

گردشگری سیاه، حوزه‌هایی نظیر: بازدید از زندان‌های سیاه، آرامگاه و قبرستان‌ها، اردوگاه‌های اسرای جنگ، میدان‌های جنگ و دیگر مکان‌های مرتبط با رنج‌های بشری را شامل (استرنجی، ۲۰۰۲: ۳۸) می‌شود؛ بنابراین، انگیزه و هدف اصلی از سفر، بازدید از سایت تراژدی انسانی و انواع مختلف قساوت و تعرض فراگیر به حقوق و قلمرو جوامع است (آزالارسکا و سوتلا، ۱۹۹۸: ۹). از سویی گردشگری سیاه، اغلب مرتبط با هویت یا میراث گردشگران نیز هست (کوهن، ۲۰۱۰: ۴).

بنای یادبود

سازه یا نماد مفهومی مرتبط با دفاع مقدس است که به منظور زنده نگه داشتن یاد حماسه‌ها و ایثارگری رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس بنا گردیده و مورد بازدید زائرین راهیان نور قرار می‌گیرد (سند ملی راهیان نور کشور ۱۳۹۶/۱۱/۲۶).

شهید/ شهادت

شهادت در لغت به معنای گواهی دادن و کشته شدن در راه خدا است. شهید کسی است که در راه خدا کشته شده است. در آیات قرآن کریم، کلمه شهید به معنی «کشته شده در راه خدا»

است (نساء: ۶۹).

راهیان نور

راهیان نور مهم‌ترین جریان فرهنگی کشور است که تجلیگاه فرهنگ انقلابی و ارزش‌های تعالی دفاع مقدس است؛ جریانی خودجوش، مردمی و بین‌نسلی با هدف نهادینه‌سازی و ترویج فرهنگ دفاع مقدس و ارزش‌های جهاد، ایثار، مقاومت، شهادت و ارتقاء سرمایه اجتماعی با حضور و بازدید از مناطق عملیاتی و یادمان‌های دفاع مقدس (سند ملی راهیان نور کشور ۱۳۹۶/۱۱/۲۶).

شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری مکتب حاج قاسم سلیمانی

سردار شهید سلیمانی به راهبرد جمهوری اسلامی ایران به عنوان هویتی ملی و اسلامی نه تنها در حرف و سخن که در عمل و اقدام مؤمن بود و از همین جا نفوذ، محبوبیت و اقتدار او پدیدار شد.

در این پژوهش، بعضی از ویژگی‌های این سردار رشید حماسه‌ساز را بررسی خواهیم کرد.

۱. ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای

الف) سوابق شغلی: قاسم سلیمانی فرزند حسن، متولد ۲۰ اسفند سال ۱۳۳۵ در روستای کوهستانی و دورافتاده قنات ملک شهرستان رابر از توابع استان کرمان در ایل عشایر سلیمانی است. در ۱۸ سالگی به استخدام اداره آب کرمان درآمد. او در حوادث انقلاب اسلامی ایران، با روحانی مشهدی به نام رضا کامیاب آشنا شد که او را وارد جریان انقلاب کرد. به نقل از سهراب سلیمانی، برادرش، یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی‌ها و اعتصابات کرمان در زمان انقلاب بود.

ب) دوران جنگ ایران و عراق: پس از پیروزی انقلاب و در روزهای آغازین دفاع مقدس، جوانی از خطه کرمان پای در میدان نبرد گذاشت که طی چهل سال با بهره‌گیری از ایمان، شجاعت، هوشمندی و تیزی خود، به گونه‌ای در مسیر کمال پیش رفت.

در سال ۱۳۵۹ عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و هم‌زمان با شروع جنگ ایران و عراق، چند گردان را در کرمان آموزش داد و به جبهه‌ها فرستاد. وی در دوره‌ای، فرماندهی

سپاه آذربایجان غربی را بر عهده داشت. سلیمانی در سال ۱۳۶۰ با حکم محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسدارن، به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد.

وی در جنگ عراق علیه ایران، از فرماندهان عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ بود. عملیات کربلای ۵ از مهم‌ترین عملیات‌های ایران در دوران جنگ محسوب می‌شود که تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی ارتش بعث عراق و تثبیت اوضاع به سود قوای نظامی ایران از نتایج آن ارزیابی شده است.

ج) فعالیت‌های پس از دفاع مقدس: پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران هدایت می‌شدند. تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای جمهوری اسلامی ایران و افغانستان می‌جنگید.

د) فرماندهی سپاه قدس: در سال ۱۳۷۹ از سوی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. بر اساس گزارش نقل شده از مرکز ویژه اطلاعات رژیم صهیونیستی، سپاه قدس در سال ۱۹۹۰ میلادی جهت افزایش فعالیت برون مرزی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و نقش کلیدی در تقویت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، به ویژه در ناآرامی‌های منطقه‌ای معروف به بیداری اسلامی (بهار عربی) ایفا کرده است.

ه) حضور در عراق و سوریه و مبارزه با داعش: او از فرماندهان مبارزه علیه داعش در عراق و سوریه است. داعش گروهی سلفی بود که پس از سقوط صدام در عراق و خلأ قدرت در این منطقه پدید آمد.

جمهوری اسلامی ایران برای حفظ امنیت و کنترل منطقه، مبارزه با این گروه را آغاز کرد. در سال ۲۰۱۱ میلادی، نیروهای تحت فرمان سلیمانی، از جمله لشکر فاطمیون و تیپ زینبیون جهت مبارزه با داعش و نیروهای شورشی راهی سوریه شدند. همچنین در سال ۲۰۱۴ میلادی، شهر موصل به تصرف داعش درآمد و بغداد، پایتخت عراق نیز تا مرز سقوط پیش رفت. قاسم سلیمانی با سازماندهی بخشی از نیروهای حشد الشعبی، نقش مؤثری در اخراج داعش از عراق داشت.

فعالیت‌های سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در کنار دیگر مبارزان ضد گروه‌های

تروریستی، در نهایت باعث شد تا داعش در کشورهای عراق و سوریه نابود شود.

و) دریافت نشان ذوالفقار: در ۱۹ اسفند ۱۳۹۷، نشان ذوالفقار عالی‌ترین نشان نظامی جمهوری اسلامی ایران، توسط آیت‌الله خامنه‌ای، به سلیمانی اهدا شد. طبق آیین‌نامه اهدای نشان‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران، این نشان به فرماندهان عالی‌رتبه و رؤسای ستادهای عالی‌رتبه در نیروهای مسلح اهدا می‌شود که تدابیر آنها در طرح‌ریزی و هدایت عملیات‌های رزمی موجب حصول نتایج مطلوب شده باشد.

ز) شهادت: بامداد جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در حمله موشکی هلیکوپترهای امریکایی به دو خودرو در اطراف فرودگاه بغداد، سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و تنی چند از اعضای حشدالشعبی، هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند که با بدرقه چند ده میلیون مردم جمهوری اسلامی ایران و عراق، به عنوان بزرگ‌ترین بدرقه قرن در دنیا شهرت یافت که سرانجام سکه تأسیس مکتبی به نام او توسط رهبر معظم انقلاب زده شد.

شهادت حاج قاسم سلیمانی، توفانی در ایران و منطقه بپا کرد که حتی علاقه‌مندان، شیفتگان و دشمنان آن شهید را نیز شگفت‌زده کرد. تشییع بی‌سابقه سردار شهید در ایران و عراق و برگزاری تظاهرات و جلسات بزرگداشت آن شهید که از امریکا و غرب اروپا تا سریلانکا ادامه داشت، حاوی درس‌ها و پیام‌های بسیاری است که مستلزم بررسی‌های دقیق و همه‌جانبه است (پژوهش خبری صدا و سیما، تاریخ انتشار: ۹۸/۹/۲، کد خبر ۲۶۵۰۹۲۳)

۲. ویژگی‌های معنوی و اعتقادی

واقعیت آن است که هر گاه انسان از مدار فردیت خارج شود و سعه وجودی‌اش به اندازه‌ای گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد، به یک مکتب تبدیل می‌شود. سردار عزیز دل‌ها، سربازی مخلص در راه خدا بود که توانست جهانی را دگرگون کند. بعضی از ویژگی‌های این سردار رشید حماسه‌ساز عبارتند از:

الف) ایمان به خدا: ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، بلندترین و لطیف‌ترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته که دل را روشن، امیدوار و خوش‌بین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. سردار دل‌ها، نمونه عینی انسان مؤمن به

خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت.

داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانتدار، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه دادن به دیگران و یاری کردن مردان خدا، پاکدستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم کردن به عدالت را می‌توان در جزء جزء زندگی این شهید عزیز مشاهده کرد.

ب) آرامش و طمأنینه: ایشان در عین صلابت و عظمتی که داشتند، همواره با آرامش و طمأنینه‌ی خاصی همراه بودند و این آرامش، از یاد و ذکر باری تعالی و نیز تسلیم در برابر حق و رضای او تأثیر می‌پذیرفت. به همین دلیل حوادث و نوسانات بیرونی، هیچ‌گاه ثبات و آرامش درون ایشان را دچار تزلزل و تغییر نمی‌کرد و وقار و صلابت او آشفته و پریشان نمی‌شد.

ج) اخلاص: اخلاص یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی، بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی است که انسان به آن نیاز دارد. حقیقت اخلاص، انجام عمل برای خدا، به انگیزه تقرب به اوست؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». راز محبوبیت سردار دل‌ها نیز در اخلاص اوست.

د) ساده‌زیستی: دوری از تجملات و تشریفات ظاهری دنیا، شیوه پیامبران، اولیای الهی و بندگان خاص خداست که فطرت آدمی را پر فروغ و زمینه رشد فطری و دین‌باوری را تقویت می‌کند. چنانکه امام علی (علیه‌السلام) فرموده است: «مَنْ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ (مأثله: ۳): کسی که در دنیا زهد را پیشه خود سازد، دین خود را حفظ می‌کند (رضایان، ۱۳۹۹).

شهید حاج قاسم سلیمانی، انسان وارسته و زاهدپیشه‌ای بود که هیچ‌گاه به دنبال پست و مقام‌های دنیوی نبود و اگرچه می‌توانست با استفاده از موقعیت و جایگاه خود امکانات رفاهی فراوانی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند، اما ساده‌زیستی و نزدیک بودن به عامه مردم را برگزید.

افرادی هستند که یک سنگ قبر یا نشانه قبر ساده برایشان کافی نیست. آنها باید با ابهت به یاد آورده شوند و استراحتگاه ابدی‌شان، آرامگاهی بزرگ و مجلل باشد؛ یعنی ساختمان کامل و مجهزی که بقایای آنها و گاه گنجینه‌های جهانی‌شان را در یک مزار جای دهد.

شاید آرامگاه‌ها چیزی جز قبر افراد نباشند، اما برای ادای احترام به این مردگان، آرامگاه با

ظرافت تمام ساخته می‌شود و طوری تزیین می‌شود که تا ابد میراثی را که افراد مهم و سرشناس برجای گذاشته‌اند، تقدیس کند.

سردار دل‌های ما بعد از مرگ نیز تجملات و تشریفات ظاهری دنیار را نپذیرفت و در وصیتنامه الهی خود، محل تدفین خود را در میان شهدا انتخاب نموده بود تا با عنوان سربازی ساده در آن محل دفن شود.

ه) جامعیت ابعاد: حاج قاسم تربیت شده مکتبی است که انسان‌های یک بُعدی را کامل نمی‌داند. می‌گوید که عالم تنها، عابد تنها، سیاستمدار تنها کامل نیستند. حاج قاسم تجسم یک انسان اینچینی بود، نه معنویتش او را از سیاستش بازمی‌داشت و نه سیاستش او را از اخلاق و تقوا.

و) ارادت و تمسک به اهل بیت (علیهم‌السلام): عشق و ارادت به خاندان نبوت و امامت در اعماق وجودش نهفته بود و شیفتگی به اهل بیت و ولایت، همواره در ذهن و ضمیر او نقش بسته و در تمام تصمیم‌گیری‌ها و اهداف مقدس، به ایشان متوسل می‌شد.

هرگاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین (علیهم‌السلام) تشریف می‌یافت، سکر و نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی او را جلا می‌بخشید و به پرواز در می‌آورد و بهجت و سروری تام و تمام جان شیفته او را فرا می‌گرفت. مجلس عزای حسینی را برپا می‌کرد و خدمت در روضه سیدالشهدا (علیه‌السلام) را برای خود افتخاری بس بزرگ می‌دانست.

ز) ولایتمداری: ولایت، ارزنده‌ترین نعمت الهی است که به بشر ارزانی شده و اکمال دین و اتمام نعمت است: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده: ۳) در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُنُ أَحَدًا أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ: اگر خدای متعال کسی را به این رزق برساند که محبت ائمه از اهل بیت مرا در سفره او قرار دهد، به تمام خیر دنیا و آخرت راه پیدا کرده است.» سردار بزرگ اسلام، به واقع مصداق کاملی بر این حدیث شریف بود.

سردار بزرگ اسلام، بغایت ولایتمدار بود و به رهبر و مقتدایش عشق می‌ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا، نه فقط از

حیث رعایت سلسله مراتب نظامی، بلکه فراتر بود. از جنبه اعتقادی نیز سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او، تعقیب‌کننده خط ولایت بود (محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۱۵).

در متن وصیتنامه ایشان نیز آمده است: «از اصول مراقبت کنید! اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید! حرمت او را از مقدسات بدانید! (جامعه‌الزهره (سلام الله علیها)، ۱۰/۱۰/۱۳۹۹، متن کامل وصیتنامه حاج قاسم سلیمانی).

ح) تعبد و معنویت: او علاوه بر انجام واجبات عبادی به مستحبات نیز توجه ویژه‌ای داشت. از هر فرصتی برای تلاوت آیات قرآن، دعا و مناجات بهره می‌جست. مقید به تهجد و نماز شب بود. گریه‌ها و راز و نیازهای او در دل شب، به روشنی تصویری از یک عارف واصل به دست می‌دهد. عرفان و حماسه هر چند دو رفتار متفاوتند، اما وقتی عرفان، وصول به حقیقت از طریق شریعت و حماسه از جنس جهاد فی سبیل الله باشد، جان مایه آن‌ها یکی می‌شود.

به یاد بیاوریم دوران دفاع مقدس را که رزمندگان عزیز ما در اوج داشتن روحیه جنگندگی و سلحشوری و رزم و ستیز با دشمنان، سنگرهای خویش را به نیایشگاه‌هایی بس نورانی و معنوی تبدیل نموده بودند که در آن عاشقانه به ذکر و دعا و مناجات و راز و نیاز با حضرت حق جل و علی می‌پرداختند؛ گویی آنان عرفایی بودند که در طریق سیر و سلوک معنوی، منزل به منزل ره پیموده‌اند. حاج قاسم از جنس همان بچه‌ها بود.

ط) ارتباط با جوانان: او ضمن اینکه تکریم‌کننده گروه‌های سنی متفاوت از جمله میانسالان و سالمندان بود و آنان را بسیار مورد احترام قرار می‌داد، اما علاقه خاصی به جوانان داشت. او جوانان را به عنوان ارزشمندترین و پربهاترین سرمایه کشور می‌دانست و ارتباط عمیقی با بسیاری از آنان برقرار کرده بود. از دیدن جوانان پر شور میهن به وجد می‌آمد و برای پیشرفت آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

ی) روحیه شهادت‌طلبی: سردار ما شیفته شهادت بود. او در داغ فراق یاران هم‌رزمش می‌سوخت و در نجوای شبانه‌اش پیوسته از حضرت حق طلب شهادت می‌نمود. او از مغز

استخوان و بن دندان و با ذره ذره وجودش، خواهان شهادت بود. او با شهدا سخن می‌گفت و از آنان ملتسمانه می‌خواست که او را به سوی خویش برکشند و به بزم معنوی خود فراخوانند. بزرگ‌ترین آرزوی او که هیچ‌گاه در آن سستی و کاستی پدید نیامد، شهادت بود و سرانجام به این آرزو که به دست شقی‌ترین انسان روزگار به شهادت برسد، رسید.

حقیقت این است که انسان‌های بزرگ که کارهای بزرگی که انجام می‌دهند، باید برای ماندگار کردن کارهایشان، جانشان را فدا کنند. شهادت حاج قاسم، مکتب حاج قاسم را ماندگار کرد.

مهم‌ترین تأثیر شهادت حاج قاسم این بود که در چهار دهه چند کشور را نجات داد و در چندین کشور، انسان‌هایی را تربیت کرد که جبهه مقاومت را برای همیشه زنده نگه دارند. در واقع، تربیت انسان‌ها و آزاد کردن سرزمین‌هایی در سوریه و عراق، یک کار بزرگ حاج قاسم بود و کار بزرگ‌تر او این بود که انسان‌ها را آزاد کردند.

با شهادت حاج قاسم، مکتب ایشان جاودانه شد. با شهادت او حرکت جبهه انقلاب سرعت بیشتری گرفت و دشمنانش متزلزل‌تر شدند. تا قبل از شهادت حاج قاسم، تفنگدارهای امریکایی در بعضی از کشورهای همسایه ما با غرور راه می‌رفتند، اما الآن باید سوراخ موش پیدا کنند و فرار کنند.

حاج قاسم با شهادت خود، نه تنها زنده ماند، بلکه احیاگر شد. ما درباره شهیدان این باور داریم که اگر کسی به قرب خداوند رسید، صفت خدایی پیدا می‌کند. خداوند محیی است؛ احیا کننده است. حاج قاسم، چه روح‌ها، انسان‌ها و جریان‌هایی را زنده کرد (ایسنه، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه، ۹۸/۱۲/۲۴).

۳. ویژگی‌های حرفه‌ای

الف) نبوغ نظامی: سردار سلیمانی از نبوغ نظامی خاصی برخوردار بود. او مسلط به دانش رزم بود و برای کسب این دانش و مهارت دقیق و حساس، به گونه‌ای کاربردی - نه صرفاً نظری - در میدان نبرد، حضوری مستمر داشت و آرام آرام با زوایای مختلف و پیچیدگی‌های فراوان آن آشنا شد.

ب) روحیه سلحشوری و جنگندگی: او در جنگ‌ها علاوه بر هدایت مقاطع مختلف

عملیاتی، از طریق استقرار در قرارگاه‌ها، در نهایت شجاعت و بی‌باکی در خطوط مقدم حضور می‌یافت. او عاری از هرگونه ترسی در مواجهه با دشمن در معرکه‌ها و میادین نبرد بود. او در میانه میدان نبرد حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید. اینچنین حضوری نتیجه‌ای بس مؤثر داشت و باعث می‌شد انگیزه، توان و تحرک نیروی رزم مضاعف شود. فرماندهی و رشادت بی‌نظیر او باعث شد که پس از دریافت چند نشان فتح، برای اولین بار نشان ذوالفقار را - که بالاترین نشان نظامی کشور است - از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت نماید.

ج) فرا مرزی بودن: فرماندهی بر سپاه قدس، فرصتی را برای حاج قاسم فراهم نمود تا تجربیات جدیدی کسب کند. او در این دوران، نه تنها با زوایای مختلف جریان مقاومت در منطقه آشنا شد، بلکه به لحاظ هوشمندی و توان فرماندهی و مدیریتی که از آن برخوردار بود، به سرعت توانست در این عرصه کارساز و تأثیرگذار شود.

او دست کم، سه میدان عمده رزم را آزموده بود: میدان دفاع مقدس، میدان مبارزه با اشراک مسلح و سرانجام میدان مبارزه در عرصه فرامرزی و منطقه‌ای در عراق و سوریه (در مقابل جریان سفاک داعش با همه پشتیبانی‌هایی که از سوی قدرت‌های استکباری و اذناشان از آن صورت می‌گرفت). همچنین، در هر نقطه دیگری از منطقه که حضور او ضرورت می‌یافت، مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان و آشنایی با جریان مقاومت در فلسطین حضور داشت و این، طراز فرماندهی او را بالا می‌برد. آن‌گاه، وقتی جریان ضد انسانی داعش که بنا به اعتراف سردمداران جنایتکار امریکا ساخته و پرداخته دست آنها بود، چهره پلید خود را در عراق و سوریه نشان داد، اوج درخشش سردار ما نیز در مقابله میدانی با این جریان سراسر پلیدی و پلشتی و سرانجام برچیده شدن آن نشان داده شد (تسنیم، خبر فارسی، ۹۸/۱۱/۱۸).

۴. ویژگی‌های مدیریتی

سبک مدیریت حاج قاسم سلیمانی که از برکات دوران دفاع مقدس است، توانست الگوی تازه‌ای از مدیریت را در کشور ایجاد کند که مبتنی بر ارزش‌های بومی و داخلی است. این شاخص‌ها عبارتند از:

الف) سخت‌کوشی: او مردی نستوه و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ مشکلی نهراسید و هیچ‌گاه دچار رخوت، سستی و رکود نشد. او بغایت ساعی و تلاشگر بود و به آسایش خویش

نمی‌اندیشید. علی‌رغم اینکه در چند عملیات مجروح شد، اما همچنان بر بازگشت به جبهه پای می‌فشرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی باز می‌گشت.

برای کسی که عمر پر برکت خویش را در جنگ و جهاد گذرانده باشد، شاید توجیه در پیش گرفتن یک زندگی آرام و بی‌دغدغه کاملاً پذیرفتنی باشد، اما روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس، سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود.

ب) نظم و انضباط و دقت در امور: ذهنی نظام یافته داشت، دقیق و منضبط بود، در جلسات به موقع حضور می‌یافت، گاه برای شرکت در جلسه‌ای مهم از دمشق به تهران می‌آمد و پس از شرکت در آن، مستقیماً به فرودگاه می‌رفت و عازم دمشق می‌شد. دقیق بود و وظیفه شناس.

ج) سرعت عمل و به هنگام بودن: بی‌شک سرعت عمل یکی از ویژگی‌های ضروری هر فرمانده نظامی است. اما ماهیت کارزاری که او در آن وارد شده بود، به گونه‌ای بود که بایستی چون صاعقه بر سر دشمن غدار فرود می‌آمد. مکالمه مسئولین منطقه با او، خبر دادن از نزدیک شدن داعش به آنان، استمداد جستن از او و حضور برق آسایش در میانه میدان، در کمترین زمان ممکن و شکستن محاصره‌ای که حلقه آن توسط داعش دمام تنگ‌تر می‌شد، تنها یکی از خاطرات ماندگاری است که مسئولین منطقه از آن با شگفتی یاد می‌کنند.

د) مدیریت جهادی: به عناصری مانند نگرش توحیدی و اعتقاد به نقش مداوم خداوند در هدایت و نصرت مجاهدان و مؤمنان معتقد بود.

ه) تکلیف‌گرایی: تمام فعالیت‌ها و حضور خود در مبادین کارزار و حساس در اقصی نقاط دنیا را یک تکلیف می‌دانست.

و) شجاعت و جسارت در اتخاذ تصمیمات خارق‌العاده: در عین حال، محاسبه و تدبیر دقیق همه مراحل و تخمین نتایج تصمیمات.

ز) اعتماد و اتکا به جوانان: اعتماد به جوانان در مراحل مختلف فرماندهی، از طراحی و اتخاذ تصمیمات گرفته تا اجرا و بازخوردگیری.

ح) حضور و تنفس دائمی در فضای جهاد: حضور در فضای جهاد و عبادت، داشتن

خلوص نیت و التزام و اعتماد به ولایت امر و فرماندهی کل قوا، برخورداری از روحیه ایثار و از خودگذشتگی و فداکاری شناخته می‌شود. مسلماً جهاد در راه خدا نقطه مرکزی گفتمان مدیریتی حاج قاسم را تشکیل می‌دهد. در این راه، ولایت مداری و اطاعت از فرماندهی کل قوا دال معنایی بسیار اساسی است.

حاج قاسم سلیمانی با کوله‌باری از تجارب بین‌المللی و با نیازها و اقتضائات طیف متنوعی از دوران دفاع مقدس، سبک فرماندهی جهادی را در جبهه مقاومت کشورهای حوزه مدیترانه تا آسیای جنوبی تطبیق داد (مجیدی حسن، اداره پژوهش سیاسی صدا و سیما).

۵. ویژگی‌های سیاسی

الف) فراجناحی بودن: یکی از نقاط قوت اخلاق اسلامی، توجه به انسان‌ها، حس همکاری، نیکوکاری و خدمت‌رسانی به مردم، به ویژه خدمت به مؤمنان و صالحان است. شهید حاج قاسم سلیمانی، نمونه بارزی از مسلمانی بود که در خدمت به مردم، به هیچ حزب و گروهی وابسته نبود، خود را متعلق به همه ملت می‌دانست و هر جا که می‌رفت، چنین وضعیتی داشت. در هر مسئولیت که قرار می‌گرفت، کاملاً به این مسأله پایبند بود. او تبلور مردی بود که برخلاف بسیاری دیگر، تمایلی به وسوسه‌های سیاسی یا طرفداری از یک جناح خاص پیدا نکرد و سرمایه‌ای متعلق به همه ملت جمهوری اسلامی ایران بود؛ چنانکه در وصیتنامه‌اش به سیاسیون کشور می‌فرماید: «در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود، خدمتگزار واقعی و توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند» (دارابی، علی، ۱۳۹۹).

ب) دیپلمات برجسته: حاج قاسم توانست نظامی‌گری را با دیپلماسی پیوند دهد. تأثیرات منطقه‌ای و جهانی سردار سلیمانی، تنها به لحاظ قدرت فرماندهی و اقدامات نظامی وی نبوده است. هر جا که ضرورت می‌یافت، او در طراز یک دیپلمات کارکننده و برجسته ظاهر می‌شد. جذبه و جذابیتش از یک سو و تسلطش به آداب و فنون مذاکره در عرصه دیپلماسی از سوی دیگر، به او قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در این میدان داده بود. این ویژگی مکمل فرماندهی نظامی او بود. آن‌گاه که لازم می‌شد، از قدرت سخت بهره می‌جست و در وقت مقتضی خویش از قدرت نرم. در این خصوص نیز نکته‌های بسیاری وجود دارد که شایسته

است تحلیلگران روابط بین‌الملل و تاریخ‌نویسان معاصر در جای خود به آن بپردازند. (ج) بیان تأثیرگذار: تحلیلگران روان‌شناسی و شخصیت‌شناسان، تسلط به فن خطابه را به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های فوق‌العاده تأثیرگذار (کاریزماتیک) عنوان می‌کنند. او این چنین بود و وقتی سخن می‌گفت، بیانش آمیزه‌ای از عقلانیت و احساس بود و چون از دل برمی‌خاست، در نفوس انسان‌ها عمیقاً تأثیر می‌نهاد. (د) مبارزه با استکبار: استکبارستیزی، برخاسته از ویژگی مخالفت اسلام با هر گونه ظلم و ستم علیه دیگران و نیز ستم‌پذیری است. شهید حاج قاسم سلیمانی، نه تنها پرچمدار و نماد مبارزه با استکبار جهانی، بلکه یک تفکر استکبارستیزی بود. او شاگرد ممتاز مکتب روح‌الله بود که در مبارزه با استکبار، مرز نمی‌شناخت. از دفاع مقدس تا جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ ۴۸ ساعته در نوار غزه، برایش میدان مبارزه با ظلم و استکبار بود.

وجود و حضورش در صحنه‌های مبارزه با استکبار جهانی و ارتجاع عربی، همه سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌ها علیه دنیای اسلام را خنثی می‌کرد. هنر او تبدیل «تهدید» به «فرصت» بود. در شاهکاری بی‌نظیر، پروژه خطرناک «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» را نابود کرد و آن را به فرصتی برای اتحاد امت اسلامی مبدل ساخت. در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، هشت روزه، سه روزه و . . . با طراحی‌های هوشمندانه و حمایت فکری و میدانی، دشمن صهیونیستی را به تسلیم در برابر رزمندگان فلسطینی و لبنانی وادار کرد، هسته مقاومت را در کشورهای سوریه و عراق بنیان گذاشت و با سازماندهی، آموزش و ایجاد اتحاد و انسجام میان نیروهای رزمنده در بعضی کشورهای اسلامی، روحیه خودباوری را به رزمندگان مسلمان تزریق کرد و آنان را به میدان‌های مبارزه با استکبار و صهیونیسم و سلفی‌گری کشاند (دارابی، علی، ۱۳۹۹)

۶. ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی

الف) انسانی توسعه یافته: انسان توسعه یافته دارای ویژگی‌های خاص است؛ مانند:

۱. اعتماد به نفس منطقی دارد و به توانایی‌های انسانی‌اش باور دارد. خودش را محیط بر مسائل زندگی‌اش می‌داند و می‌فهمد که انسان موجودی خلاق، مبتکر و توانمند است.

- می‌داند که در درون انسان، نیرویی وجود دارد که اگر اراده کند، می‌تواند همه مشکلات را با تعقل و تدبیر حل و فصل کند.
۲. مهربان و آرام است. خوب گوش می‌کند و خوب فکر می‌کند. با عجله سخن نمی‌گوید. وقتی با او برخورد می‌کنی، امواج آرامبخش و مهربانی سراسر وجودتان را پر می‌کند.
۳. از نیاز به نمایش عبور کرده است. در سخن گفتن اظهار فضل نمی‌کند و از چاپلوسی دیگران مشمئز می‌شود.
۴. روحیه مشارکت‌پذیری، همفکری و همکاری با دیگران دارد. به تفکر جمعی و مشورت اعتقاد دارد. تقسیم کار را می‌فهمد، اصول مقدماتی مدیریت را بلد است و کاملاً باور دارد که عقل کل نیست.
۵. جو‌پذیر نیست! در مقابل تبلیغات زیانبار یا کذب، روحیه پایداری و نگاه کارشناسی دارد. در گرداب تبلیغات سوء قرار نمی‌گیرد و هر نگرشی را در قالب عقل و تجربه و مشورت به تجزیه و تحلیل گرفته و بعد تصمیم می‌گیرد.
۶. برای کل جامعه و آینده آن تلاش می‌کند، نه صرفاً برای باند، گروه، همفکران یا اقوام خود.
۷. مرعوب مقامات اداری و حکومتی نیست. می‌داند که این مقامات تنها در سازمان مطبوع خود صاحب مقام هستند و در عرصه اجتماع، همگی خدمتگزار شهروندان هستند.
۸. بخش مهمی از زندگی خود را برای به جای گذاشتن میراثی ارزشمند برای جامعه طراحی می‌کند. مسئولیت کاری را که در آن تخصص ندارد، نمی‌پذیرد و مسئولیت کاری را به کسی که در آن کار تخصصی ندارد نمی‌سپارد و اگر خواست ثروتمند شود، نهادهای دولتی و حکومتی را ترک می‌کند.
۹. قانونمند است و به قانون احترام می‌گذارد؛ حتی در مواقعی که قانون را مطابق میل خود نمی‌داند نیز حاضر نیست قانون‌شکنی کند و قانون را زیر پا بگذارد.
۱۰. سردار دل‌های ما، نمونه جامعی از یک انسان توسعه‌یافته در عصر خود بود.

ب) علاقه به فرهنگ و هنر: کتابخوانی یکی از برنامه‌های همیشگی او بود. علاوه بر مطالعه مطالب مستند، به خواندن رمان‌ها و داستان‌هایی که سرگذشت‌های درس‌آموزی را حکایت می‌کردند می‌پرداخت؛ بخصوص آثار مربوط به زندگی شهیدان را با حسرت و اشتیاق می‌خواند و هر جا که به وجد می‌آمد، در حاشیه کتاب مطلبی می‌نوشت.

تقریظ‌های او بر کتاب‌هایی که خوانده است، خواندنی است. به شعر، ادبیات و هنر علاقه‌مند بود، به تماشای فیلم‌های فاخر می‌نشست و مشوق کارگردانان و هنرمندانی بود که در به تصویر کشیدن خصال برجسته انسانی می‌کوشیدند.

ج) سادگی و صفا: زندگی ساده‌ای داشت، با حداقل امکانات. می‌توانست از راه مشروع بسی بیشتر داشته باشد، اما نمی‌خواست. از تجملات به دور بود و از تشریفات بیزار. به راحتی در مجالس مختلف حضور می‌یافت. رسم خاکساری پیشه کرده بود. در وجود باصفا و نورانی‌اش، هیچ نشانه‌ای از تکبر و تبختر (افاده، پُز، فخر فروشی) و خود بزرگ‌بینی یافت نمی‌شد.

د) مردمی بودن: او عاشق مردمش بود، به همین لحاظ مردم عاشق او بودند. او پدر مهربان یتیمان بود و ملجأ دردمندان و پناهگاه محرومان. او عمیقاً بر این باور بود که مردم ولی‌نعمت ما هستند و این انقلاب و نظام، حاصل تلاش آنان و متعلق به آنان است. پیوسته بر این امر تأکید می‌کرد که ما مدیون و وامدار این مردم عزیز هستیم و خدمت به آنان را بایستی یک افتخار بزرگ بدانیم. در حوادث گوناگون، در میان مردم حضور می‌یافت و به یاری آنها می‌شتافت. خاطره شیرین حضور او در میان سیل‌زدگان در اوایل سال ۹۸، هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود.

ه) خوشخویی و خوشرویی: مصداق بارز یک انسان خوشخو و خوشرو بود. لبخند ملیح و دلنشینش، جذابیت چهره‌اش را دوچندان می‌کرد. با مغناطیس اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی‌شماری را به سوی خود جلب نموده بود. دوست داشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند، در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود. او مصداق بارز آیه ۲۹ سوره فتح قرآن بود که می‌فرماید: «محمد رسول الله والذین معه - اشداء علی الکفار رحماء بینهم.»

و) ارتباط عمیق با خانواده: او عمیقاً به خانواده خویش عشق می‌ورزید. تکریم و احترام او به والدین، زبانزد خاص و عام بود و رابطه عاطفی‌اش با همسر و فرزندان، کانون خانوادگی‌شان

را گرم و پرحرارت نموده بود. انبوه مسئولیت‌ها، دغدغه‌ها و حساسیت‌های کاری، هیچ‌گاه باعث نشد که او از توجه به خانواده و وقت‌گذاری برای آنان در حدی که برایش مقدور بود، فروگذار نماید.

صله رحم با بستگان را هیچ‌گاه فراموش ننمود. اینکه انسان در اوج داشتن مسئولیتی اینچنین خطیر که ذهن و وقت و توان انسان را مصروف خود می‌نماید، مراقب این نکته باشد که به خواسته‌های عاطفی خانواده، بستگان، خویشاوندان، دوستان و آشنایان توجه نماید، حقیقتاً ستودنی است.

۷. ویژگی‌های جهانی (از دیدگاه رسانه‌های خارجی)

الف) وال استریت ژورنال: (Wall Street Journal) درباره فرمانده سپاه قدس می‌نویسد: «سردار سلیمانی مسئول نظامی عملیات برون مرزی و مخفی سپاه است» (روزنامه دنیای اقتصاد تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۶/۶).

ب) دیلی استار (Daily Star) با اشاره به ویژگی‌های سردار قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس عنوان داشت: «ایدئولوژی فرمانده سپاه قدس، تلفیقی از روش نرم و استراتژی سخت بوده و او حد فاصل سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ به نیروهای مردمی برای مقابله با دولت اسلامی ایفای نقش کرده است.» (همان)

ج) آبزورر: «قاسم سلیمانی، تنها کسی است که می‌تواند داعش را شکست دهد.» روزنامه انگلیسی «آبزورر» تأکید کرد که سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، احتمالاً تنها کسی است که می‌تواند داعش را شکست دهد. «آبزورر» عنوان داشت: «هنگامی که در ژوئیه گذشته ارتش عراق از مقابل داعش گریخت، این ژنرال ایرانی در صحنه حضور یافت و چند ساعت پس از سیطره داعش بر موصل، سلیمانی در بغداد بود و از آن زمان عملیات دفاع از بغداد را هماهنگ نمود و نیروها را بسیج کرد.»

آبزورر در پایان خاطر نشان کرد: «همچنین سردار سلیمانی، وقتی داعش اربیل را تهدید کرد، به کردستان عراق در شمال این کشور رفت. فرمانده سپاه قدس در اقصی نقاط عراق مورد ستایش و قدردانی قرار گرفت، به ویژه از سوی شیعیان؛ چرا که او احتمالاً تنها کسی است که می‌تواند پیشروی داعش را متوقف کند» (همان).

ه) نشریه انگلیسی تایم: قاسم سلیمانی را به عنوان یکی از ۱۰۰ شخصیت پرنفوذ جهان در سال ۲۰۱۷ معرفی کرد (همان).

و) بیزینس اینسایدر: «سردار قاسم سلیمانی، مغز متفکر عملیات ضد تروریستی» (همان). پایگاه اینترنتی «بیزینس اینسایدر» با انتشار عکسی از سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در کنار هادی العامری فرمانده سپاه بدر عراق، در گزارشی به قلم «مایکل بی کلی» نوشت: «قاسم سلیمانی و هادی العامری، آزادسازی شهر جلولو از چنگال داعش را جشن گرفتند. یکی از مقامات ارشد نظامی امریکا که مدت طولانی در عراق خدمت کرده است، اعتقاد دارد قاسم سلیمانی مغز متفکر عملیات نظامی جمهوری اسلامی ایران، کنترل همه امور را در اختیار دارد». این گزارشگر مدعی شد: امریکا زمانی که با طرح قاسم سلیمانی در عراق همراهی کرد، در واقع عراق را به جمهوری اسلامی ایران واگذار نمود. در نهایت هم نیروهای خود را از عراق خارج کرد، اما همچنان هم برای ایجاد ثبات در این کشور تلاش می‌کند (همان).

ز) مجله نیوزویک: مهم‌ترین مجله سیاسی ایالات متحده امریکا است که در سال ۲۰۱۴ میلادی با چاپ عکس سردار سلیمانی روی جلد خود نوشت: «ابتدا با امریکا جنگید، الان در حال له کردن داعش است». و در تیتیر دیگری وی را «اله انتقام» توصیف کرد.

نیوزویک: سردار سلیمانی، مغز متفکر نظامی جمهوری اسلامی ایران، در صحنه مبارزه با تروریسم.

نشریه «نیوزویک» در مقاله‌ای به نقش جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم پرداخت و نوشت: «ایران ظرف مدت زمانی که عناصر داعش وارد خاک عراق شدند، بهترین آموزش‌ها و مشورت‌ها را به نیروهای عراقی اعطا کرده و کمک‌های نظامی از قبیل سلاح به بغداد ارائه داده است».

در مقاله نیوزویک آمده است: «ایران همچنین از طریق مغز متفکر نظامی خود، یعنی قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران که بسیاری از فرماندهان نظامی او را فرمانده و استراتژیستی ممتاز می‌دانند، به عراق کمک کرده است».

در این مقاله با اشاره به تأثیرگذاری سردار قاسم سلیمانی در آزادسازی مناطق اشغال شده

عراق توسط گروه تروریستی داعش آمده است: «تصویر سردار سلیمانی در ماه سپتامبر گذشته در میدان نبرد آمرلی منتشر شد و این تصویر، پیامی آشکار برای غرب بود که تهران در جنگ با تروریسم حاضر است» (همان).

ح) فیسبوک سید صادق خرازی: سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در لندن و سازمان ملل در صفحه فیسبوک خود نوشت:

«سرلشکر قاسم سلیمانی، همان کسی است که او با ما رئیس‌جمهور ایالات متحده درباره او به العبادی نخست‌وزیر جدید عراق گفت: "او دشمن من است، اما من برای او احترام ویژه‌ای قائل هستم"».

ط) وزیر امور خارجه آمریکا: جان کری، وزیر خارجه آمریکا به دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، گفت: «برای یکبار هم شده، مایل به دیدن سرلشکر سلیمانی است».

ی) نیویورکر: سردار قاسم سلیمانی، مرد قدرتمند منطقه غرب آسیاست.

نیویورکر (New Yorker) درباره قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس نوشت: «او یک مرد میانسال، دارای موهای جو گندمی و متواضع است. او پس از آنکه در سن کمتر از ۵۰ سالگی به فرماندهی سپاه قدس رسید، به دنبال تغییر دومینوی قدرت در منطقه غرب آسیا به نفع جمهوری اسلامی ایران بود و در این پروسه، با تأکید بر قدرت نظامی گام برمی‌داشت. او نقش مهمی در حمایت از سوریه دارد و به حضور نامحسوس خود در جهان ادامه می‌دهد». این نشریه با اشاره به نقش مؤثر فرمانده سپاه قدس در منطقه و بخصوص در عراق و سوریه، از قول یکی از مقامات امریکایی یادآور شد: «سردار قاسم سلیمانی، مرد قدرتمند منطقه غرب آسیاست» (همان).

ک) گاردین: ارسال پیامک از سوی سردار سلیمانی برای ژنرال پترائوس.

روزنامه گاردین (The Guardian) درباره فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران نوشت: «او فردی است که به طور مخفیانه در حال نفوذ در عراق است و به نظر می‌رسد سردار سلیمانی کنترل بغداد و کل عراق را در دست دارد».

این روزنامه با اشاره به پیامک فرمانده سپاه قدس به ژنرال دیوید پترائوس مدعی شد:

سردار قاسم سلیمانی در این پیامک به فرمانده امریکایی گفته: «ژنرال پترائوس، شما باید بدانید که من کیستم؛ من قاسم سلیمانی، سیاستگذار جمهوری اسلامی ایران در عراق، لبنان، غزه و افغانستان هستم. ضمناً سفیر ایران در بغداد، یک عضو نیروی قدس بوده و جایگزین آن هم یکی از اعضای نیروی قدس خواهد بود».

روزنامه گاردین (The Guardian) با اشاره به اظهارات مقامات عراقی درباره نقش سردار سلیمانی در عراق نوشت: «او بدون هیچ سؤالی قوی‌ترین مرد عراق است. او مردی با موهای جو گندمی و کم حرف است که هنگامی که بدون محافظ در منطقه تحت نفوذ امریکایی‌ها وارد شد، آن‌ها عصبانی شدند و گفتند: چرا ما از دشمنان یاد نمی‌گیریم» (همان).

ل) دلیلی میل: درباره فرمانده سپاه قدس نوشت: «اکثر وقت سردار سلیمانی در میدان نبرد با دولت اسلامی (تروریست‌های داعش) می‌گذرد. او فرمانده قدرتمند سپاه قدس در مقابله با داعش است و زمانی که بغداد در محاصره بود، با تلاش او و همکاری نیروهای مردمی، مبارزه وارد مرحله جدیدی شد و البته امریکایی‌ها با نگرانی به ژنرال سلیمانی می‌نگرند» (همان).

م) یواس‌ای تودی و ایپسوس: بر اساس نظرسنجی مشترک یواس‌ای تودی و ایپسوس که منتشر شد، ۵۵ درصد از شهروندان امریکایی اظهار داشتند: ترور قاسم سلیمانی، فرمانده ارشد نظامی ایران، امریکا را ناامن‌تر کرده و فقط حدود ۲۵ درصد تصور می‌کنند کشورشان امن‌تر شده است (خبرگزاری‌های خارجی - روزنامه دنیای اقتصاد تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۶/۶)

در مجموع رسانه‌های خارجی، فرمانده سپاه قدس را مرد نیرومند و پر نفوذ در عراق و منطقه غرب آسیا می‌دانند و معتقدند سردار سلیمانی در مبارزه با تروریست‌های تکفیری داعش، نقشی بی بدیل ایفا می‌کند. نظریه «بزرگ مرد» در روان‌شناسی سیاسی بر این اعتقاد است که رویدادهای مهم ملی یا جهانی، تحت تأثیر افرادی برجسته است که سازنده و پدیدآورنده آن رخدادها هستند. به یک معنا این مردان بزرگ هستند که تاریخ را می‌سازند و نفوذ خود را هر جا که قرار گیرند، می‌گسترانند. چنین افرادی حائز ویژگی‌های منحصر به فردی همچون معنویت، جذابیت، هوشمندی، قدرت روانی، اراده برتر، استعداد الهام بخشی و توانایی متقاعدسازی و هدایت مردم هستند. حقیقت این است که انسان‌های بزرگ کارهای بزرگی انجام می‌دهند و در جایی برای ماندگار کردن کارهای خودشان باید جانشان را فدا کنند.

شهادت حاج قاسم، مکتب حاج قاسم را ماندگار کرد. مهم‌ترین تأثیر شهادت حاج قاسم این بود که طی چهار دهه حاج قاسم چند کشور را نجات داد و ما معتقد هستیم نجات چند کشور، کار کوچک ایشان است. کار بزرگ حاج قاسم این بود که در چندین کشور، انسان‌هایی را تربیت کرد که می‌توانند جبهه مقاومت را برای همیشه زنده نگه دارند.

در واقع، تربیت انسان‌ها و آزاد کردن سرزمین‌هایی در سوریه و عراق، یک کار بزرگ حاج قاسم بود و کار بزرگ‌تر او این بود که انسان‌ها را آزاد کرد.

اینها و ویژگی‌های فراوان دیگر، مؤلفه‌های این شخصیت بزرگ را نشان می‌دهند. مؤلفه‌هایی که وقتی فراگرد هم می‌آیند، جامعیت یک شخصیت را به تصویر می‌کشند و او را به عنوان یک مکتب و یک چراغ راه و یک مدرسه درس‌آموز معرفی می‌کنند. منظومه‌ای که همه اجزای آن با یکدیگر همگون و هماهنگند.

ما در این شاکله شخصیتی، تضاد، شک و تردید و نوسان نمی‌بینیم. او یک اسطوره است، اما نه اسطوره‌ای از عهد باستان، بلکه اسطوره‌ای پیش چشم، ملموس و مربوط به جامعه کنونی ما؛ الگویی عینی برای هر کس که بخواهد در مسیر کمال گام بردارد.

ما در اینجا هر آنچه که از صفات او به تصویر کشیدیم، عین واقعیت بود. او تلاش کرده بود تا همه ظرفیت‌های وجودی خویش را شکوفا نماید و تصویری از چهره یک انسان ذو ابعاد و نه تک ساحتی را در عصر کنونی به جامعه ما و جهانیان نشان دهد.

بنابراین، تبلور مکانی جاذبه‌های ناشی از جنگ در قلمرو مناطق عملیاتی و همچنین مناطق تأثیرپذیر از جنگ، به ویژه در مناطق جنوبی و غربی کشور و همه استان‌های کشور، می‌تواند منبعی بسیار بزرگ برای مقصد‌گردشگران و مهم‌تر از آن صیانت از ارزش‌های معنوی دوران دفاع مقدس و انتقال آن به نسل‌های بعد باشد.

گردشگران جنگ، مجموعه خاصی از گردشگرانی که علاقه‌مند به بازدید از میادین جنگ و یادمان‌های آن بوده، طی سفر خود، احساسات هیجانی، معنوی، بشردوستانه و حتی مذهبی و معنوی را تجربه می‌کنند و بعد از سفر، احساسات و اندیشه‌هایی را درباره جنگ و شرکت‌کنندگان (افراد) که به هر نوع با جنگ درگیر بوده‌اند) به انحاء مختلف ابراز می‌کنند.

گردشگری جنگ به مثابه یک فرایند تاریخی - فرهنگی، می‌تواند یک محور اساسی در

تبادل فرهنگی و یکی از وجوه قابل اتکاء جاذبه‌های گردشگری به شمار آید. در این راستا، گردشگری جنگ هم رسالت تبادل فرهنگی بین نسلی در سطح ملی و هم بین جوامع در سطح بین‌المللی را بر عهده دارد. پس با این نگاه، علی‌رغم ماهیت و زمان، وقوع جنگ بخشی از تاریخ ملت‌هاست و ارزش فرهنگی و هویت ملی در اولویت اول و نگاه اقتصادی و... در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

راهیان نور جریانی خودجوش، مردمی و بین‌نسلی، با هدف ترویج فرهنگ دفاع مقدس و ارزش‌های جهاد، ایثار، مقاومت و شهادت با حضور و بازدید از مناطق عملیاتی و یادمان‌های دفاع مقدس و عاملی برای جلوگیری از فراموش شدن ارزش‌ها و درس‌های دوران دفاع مقدس است.

اصطلاح «راهیان نور» از سال ۱۳۷۷ به طور عمومی در سطح جامعه مطرح شد. هر چند کاروان‌های اعزامی برای بازدید از مناطق عملیاتی، پیش از این عناوین دیگری مانند: «راهیان سرزمین عشق»، «راهیان سرزمین نور» و «کاروان زیارتی کربلای ایران» را برای خود برگزیده بودند، اما اطلاق عمومی «راهیان نور» جلوه و ماندگاری خاصی پیدا کرد و اکنون با عنوان جدید «راهیان کانون دل‌ها»، مقصدی جدید را برمی‌گزینند.

حضور گسترده مردم در تعطیلات ایام نوروز که ارقام میلیونی را برای آمار بازدیدکنندگان نشان می‌داد، موجب گردید تا در سال ۱۳۸۱ با تشکیل یک کمیسیون عالی در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مرکب از نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح و وزارتخانه‌ها و نهادهای ذیربط با سازماندهی کمیته‌های گوناگون، برای «راهیان نور» سیاستگذاری و تعیین خط مشی کلی در زمینه‌های مختلف به عمل آید.

بازدید از مناطق عملیاتی در قالب کاروان‌های راهیان نور در طول سال به شکل محدود و پراکنده در اسفند و فروردین ماه هر سال به صورت بسیار وسیع و گسترده در مناطق جنوب و غرب کشور اجرا می‌شود و بر اساس آخرین آمار در سال ۱۳۸۳ نزدیک به دو میلیون نفر از مناطق عملیاتی بازدید کردند.

ترویج و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت و انتقال ارزش‌های ماندگار دفاع مقدس به نسل

جوان جامعه و از همه مهم‌تر، انعکاس و بازگویی رشادت‌ها و ایثارگری‌های دوران جنگ تحمیلی برای اقشار ملت، چند سالی است که در قالب کاروان‌های راهیان نور و با اعزام گروه‌های مختلف مردمی به سرزمین‌های نور غرب و جنوب کشور مورد توجه و اهتمام مسئولین کشوری و لشکری قرار گرفته است.

کاروان‌ها در قالب گروه‌های استادی، دانشجویی، دانش‌آموزی، خانواده شهیدان، ایثارگران و آزادگان سرافراز و همچنین اقشار مردم در سنین و سطوح مختلف می‌آیند تا هم‌نوا با شهیدان، حماسه‌های جاوید را بسرایند و درس‌های غیرت و آزادگی و جوانمردی آنان را که از مولای خود اباعبدالله الحسین آموخته‌اند و در اینجا پیاده نمودند، به فرزندان و جوانان این سرزمین پرگهر بیاموزند.

انتخاب مقصد جدید راهیان نور (راهیان کانون دل‌ها) و برگزاری اردو برای گروه‌های فوق‌الذکر با حضور در کرمان، باعث می‌شود آنها با شخصیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی آشنا شوند. با توجه به اینکه موزه دفاع مقدس یکی از آثار به یادگار مانده از حاج قاسم سلیمانی است، بازدیدکنندگان سراسر کشور با حضور در این شهر، ضمن بازدید و آشنایی با دوران دفاع مقدس، با مسیر شهدا و سبک زندگی آنها در جامعه آشنا می‌شوند (امیری سعید، پیشنه و پیامدهای راهیان نور).

۸. ویژگی‌های و جاذبه‌های مقصد جدید (کانون دل‌ها):

- گلزار شهدای کرمان، مرقد مطهر سردار دل‌ها و هم‌زمانش در دوران دفاع مقدس و مدافعان حرم و وطن
- بازدید از موزه دفاع مقدس، از یادگارهای سردار شهید سلیمانی و لشکر ۴۱ ثارالله
- آشنایی با شخصیت، راه و سیره شهدا، به ویژه این شهید والامقام
- جاذبه‌های گردشگری شهر کرمان.
- بازدید از زادگاه حاج قاسم، روستای قنات ملک شهرستان رابر
- آشنایی با جنبه‌ها، سبک زندگی و الگوسازی ویژگی‌های این شهید بزرگوار برای جامعه

ساختار لازم توسعه، تبدیل شدن به مقصد جدید (کانون دل‌ها):

- ایجاد موزه گردشگری دفاع مقدس در مسیر گردشگران راهیان نور در مقصد جدید
- طراحی و استقرار نظام و سامانه جامع اطلاعات، ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حوزه راهیان نور
- بازآفرینی و تصویرسازی از تاریخ، معارف و ارزش‌های دفاع مقدس، همراه با تقویت جذابیت‌های زیبایی شناختی و معرفتی
- گسترش دوره زمانی و محیطی راهیان نور
- تربیت و تعالی نیروی انسانی تخصصی و علمی مورد نیاز برگزاری راهیان نور، از جمله: راویان، مبلغین، خادمین، مدیران کاروان و راهنمایان تور
- توسعه و تأمین زیرساخت‌های راهیان کانون دل‌ها، از جمله: جاده‌های دسترسی، محل‌های اسکان، امکانات رفاهی و خدماتی متمرکز و بین‌راهی، حمل و نقل، بهداشت و . . . به منظور تأمین امنیت، سلامت و بهره‌وری هر چه بیشتر گردشگران و دست‌اندرکاران
- فعال کردن ظرفیت‌های علمی، پژوهشی، پیشکسوتان، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی در برنامه‌های راهیان نور
- گسترش و پایدارسازی ارتباط با مخاطبان راهیان نور، با بهره‌برداری از فضای مجازی و شبکه اجتماعی
- بهره‌گیری هوشمندانه و هدفمند از فناوری‌های نوین و فضای مجازی
- مسئولیت‌پذیری و مشارکت دادن همه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، نیروهای مسلح و مردم، با تعیین سهم و نقش آنها در تحقق اهداف، مدیریت و پیشبرد برنامه‌های راهیان نور
- برگزاری اردوهای راهیان نور در سطوح مختلف دانش‌آموزی، دانشجویی و استادی
- توانمندسازی بستر آموزشی و فرهنگی استان کرمان، برای انتقال و معرفی (راه، روش و منش) و ویژگی‌های حاج قاسم سلیمانی و ارزش‌های دفاع مقدس به جوانان و جامعه
- تأمین ظرفیت ریلی و اتوبوسی برای برگزاری راهیان نور در کرمان

یافته‌ها

سردار دل‌ها در دوران دفاع مقدس، با تمام وجود در تمام صحنه‌ها حاضر بود و بعد از آن نیز جهاد و مبارزه را به هیچ دلیلی و بدون هیچ چشم‌داشت سیاسی کنار نگذاشت. خود را به هیچ دسته، باند و گروهی محدود نکرد و به همه جریان‌ها درون نظام، صمیمانه وفادار بود و به همه احترام می‌گذاشت. از همین رو بود که همگان نیز او را دوست داشتند و به او احترام می‌گذاشتند.

در صحنه بین‌المللی و جهانی نیز از محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، زیرا نماد حضور یک مجاهد انقلابی در عرصه بین‌الملل بود که همه جریان‌ها سیاسی بین‌المللی، از او به عنوان کسی که یاد می‌کنند که صلح و آرامش را با دفع اشراری مثل داعش در منطقه به وجود آورد و از این بابت، هزینه‌های بسیاری را متحمل شد. او در مقابل مردمان، انسانی متواضع و خاکسار بود. محبوبیت او به گونه‌ای بود که حتی غربی‌ها نیز که دشمنان سرسخت او بودند، در نهان او را دوست داشتند. یک ژنرال امریکایی پس از شهادت سردار دل‌ها نوشت: «سلیمانی فرمانده‌ای بود که مثل الماس می‌درخشید. در اجرای تاکتیک‌های جنگی فوق‌العاده بود. در سازماندهی حشد الشعبی با توانمندی بسیار بالایی عمل کرد. ما افتخار می‌کردیم اگر او در ارتش امریکا خدمت می‌کرد. مشکل سلیمانی این بود که علیه ما بود».

بدرقه بی‌سابقه پیکر پاک او و هم‌زمانش، گویای آن است که او اکنون فراتر از یک قهرمان، به یک گفتمان تبدیل شده است. گفتمان سلیمانی، امتزاجی از خصایص انسانی و راهبردهای عقیدتی و سیاسی است. یک انسان مخلص و پاک و یک سرباز و سردار انقلابی استکبارستیز.

سلوک شهید سلیمانی مانند یک دستورالعمل و نسخه انسان‌ساز در طراز مدیر و مجاهد انقلابی شفاف‌بخش است و ویژگی‌های انقلابی و سیاسی او، همچون یک مرز و منظومه بسیار شفاف و تفسیرناپذیر در مسائل مختلف داخلی و خارجی، راهگشا و چراغ راهنماست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گردشگری همچون یک حرکت فیزیکی در جغرافیا ابعاد ظاهری و باطنی دارد. این پژوهش

با توجه به گرایش بیش از پیش گردشگران به ابعاد مختلف معنوی سفر، به دنبال بازآفرینی و عیان سازی مفهوم گردشگری جنگ و معنویت در گردشگری بود.

در این پژوهش مشخص گردید که هر چند پارادایم‌های رایج در گردشگری که به موضوع سود اقتصادی از گردشگری تأکید بسیار دارد، اما موضوعات معنوی به صورت جسته و گریخته در مطالعات مختلف به چشم می‌خورد.

هر چند مطالعات داخلی، موضوع معنویت را به موضوعات دینی محدود کرده‌اند و مطالعات خارجی به این موضوع از جنبه‌های آرامش جسم، روش‌های برقراری ارتباط با خود و دنیای ماورایی توجه کرده‌اند، اما معنویت به معنای دستیابی به مفاهیم و تعالی یک بخش غیرقابل انکار و فراگیر از گردشگری است.

مطالعات موجود نشان می‌دهد که مفهوم معنویت تا به حال همچون یک متغیر هدف در نظر گرفته نشده است و همواره به آثار مستقیم یا میانجی این مفهوم در سایر متغیرها توجه شده است. بنابراین رسیدن به تعالی، رسیدن به معنی و رسیدن به درک متقابل، به مثابه ابعاد اصلی مفهوم معنویت در گردشگری شناخته می‌شود.

در این جا سفر و گردشگری، به عنوان یک بستر و قابلیت برای جابجایی فرد این امکان را فراهم می‌سازد تا فرد گردشگر از عادت‌ها و حالت سکون خود خارج شود و مستعد تغییر و تحول شود. تحول می‌تواند با دریافت مفاهیم و مضامین جدید به دست آمده از تبادلات انسانی، برخورد با جاذبه‌ها و عناصر طبیعی یا دستیابی به سطحی از ارتباطات فراطبیعی به دست آید. البته دریافت، فقط شرط لازم برای تحول است و ژرف‌نگری و تعقل، شرط کامل به نظر می‌رسد.

مقوله معنویت را باید به مراتب گسترده‌تر و جامع‌تر از مذهب و دین دانست. جایی که هر گردشگر بی‌دین، بدون داشتن نیت مذهبی می‌تواند از عظمت طبیعت، از تقابل با فرهنگ‌های مختلف یا حتی تعامل با افراد متفاوت به درک مفاهیمی دست یابد که باعث ارتقای روحی و قلبی‌اش شود.

حتی حضور ناخواسته‌ی این گردشگر در مراسم مذهبی و آیینی بدون قصد مذهبی، می‌تواند زمینه‌ای از معنویت و تحول را ایجاد کند. این تحول ناگزیر به گرایش مذهبی وی

منتهی نخواهد شد، بلکه با عمیق شدن نگاه نسبت به جهان هستی و درک فلسفه‌ی ارزش‌های جاری در اجتماعات مردمی، گونه دیگری از معنا را خلق خواهد نمود.

منابع

- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. «شاهکار حاج قاسم»؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، کد خبر: ۷۴۰۷۵
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- تقدیمی احمد و همکاران، (۱۳۹۴) فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۸، پاییز.
- حاجی نژاد، علی و همکاران (۱۳۹۲). «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری جنگ هم پیوند با سایر جاذبه‌ها در استان ایلام». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری. سال هشتم. شماره ۲۲.
- خبرگزاری تسنیم. «متن کامل وصیتنامه حاج قاسم سلیمانی». ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، کد مطلب: ۲۲۰۲۴۴۳.
- دارابی، علی (۱۳۹۸). «حاج قاسم سلیمانی به مثابه یک مکتب». روزنامه صبح نو. شماره ۸۷۳
- رضاییان، زهرا (۱۳۹۹). پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، متن ره توشه ماه مبارک رمضان. نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب ساز، حاج قاسم سلیمانی، شماره ۳۸.
- روزنامه دنیای اقتصاد.
- سایت‌های معتبر مرتبط با گردشگری و دفاع مقدس.
- سند ملی راهیان نور کشور. ماده ۳ اساسنامه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مصوب مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و اختیارات تفویضی معظم له. ۱۳۹۶/۱۱/۲۶ به تصویب هیأت امنای بنیاد.
- سیره نظری و عملی شهید سلیمانی. دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، مکتب شهید سلیمانی، الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز. دانشکده و پژوهشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین.
- طرح جامع گردشگری جنگ (۱۳۸۸). مرحله اول گام اول: شناخت و ظرفیت‌سنجی گردشگری جنگ.
- گی، چاک، فایوسولا، ادواردو (۱۳۹۰). «جهانگردی در چشم‌اندازی جامع». برگردان (ترجمه): علی پاریسیان و سید محمد اعرابی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- لاند برگ، دونالدای (۱۳۸۳). «اقتصاد گردشگری». برگردان (ترجمه): محمدرضا فرزین. تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی.
- معاونت سیاسی - اداره پژوهش‌های سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. ویژگی‌های شخصیتی، هویتی و مدیریتی شهید حاج قاسم سلیمانی.

وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی برگرفته شده از وبسایت: <https://www.jz.ac.ir/post/7668>

Erik H. Cohen. (2010), educational dark tourism at an in populo sitem, The Holocaust Museum in Jerusalem, Annals of Tourism Research, Vol. 38, No. 01, pp. 193-209, 2011 .

تحليل عوامل مؤثر بر گردشگری معنوی راهیان نور و مقصد جدید (مطالعه موردی: مرقد مطهر حاج قاسم سلیمانی) / ۱۷۱

Strange, Carolyn, Micheal, Kempa, (2002), shades of Dark Tourism Alcatraz, & Robben Island, *Annals of Tourism Research*, Vol.30, No.2, pp. 386-405



An Analysis of Factors Affecting the Spiritual Tourism of the Rahian Noor and the New Destination (Case Study: The Holy Shrine of Haj Ghasem Soleimani)

Esfandiar Niazi *

Rahian Noor, the greatest cultural flow in Iran, contains one of the most popular cultural arenas in the country with positive effects on public culture of the Islamic Republic of Iran, and one of the most effective ways to counter the soft war of the enemy, and application of the rich wealth and strong source of the Holy Defense. Introducing tourism, spiritual tourism, black tourism, war tourism and Rahian Noor, this study deals with the role of various biographical, spiritual, religious, professional, and managerial characteristics of commanders and martyrs in scoring the great figure of the revolution and training of heroes and honorable people like Sardar Ghasem Soleimani and the way they stood up against domestic tyranny, colonialism and foreign exploitation before and after the revolution, creation of a great movement. During the eight years of holy defense, they developed the spirit of resistance, Jihad and martyrdom in the spirit of society, from the center of the country to the most remote villages. This loyal, brave, intelligent and fine young general illustrated the revolution as a good movement after forty years, and went on the path of perfection, and finally received the honor of establishing a school named after him by the Supreme Leader of the Islamic Revolution of Iran. After his martyrdom, his holy shrine become a new destination of the Rahian Noor.

Keywords: *Black tourism, spiritual tourism, war tourism, Rahian Noor, Shahid Soleimani.*

* Faculty member of The Department of Geography, Faculty of literature, Islamic Azad University of Khorramabad, Tehran, Iran